بسم الله الرحمن الرحیم

مجموعه آناتومی فروپاشی مهندسی شده در کشورها توسط آمریکا

# فازاول: جنگ ارزی و تحریم های کشتار جمعی؛ م‍‍‌‌هندسی نارضایتی

یکی از راهبردهای اصلی آمریکا برای در هم شکستن قرارداد اجتماعی میان دولت و شهروندان "به فریاددرآوردن اقتصاد" نام دارد. سیاستی است که جمعیت غیر نظامی را (به دلیل فقر مطلق همچون در کشور شیلی و بعد عراق و ونزوئلا) به شورش وا می دارد.

## بخش اول: الگوی تاریخی شیلی (۱۹۷۰-۱۹۷۳) – اثبات مستند استراتژی

پرونده شیلی مستندترین و نخستین نمونه ای که آمریکا از ترکیب تخریب پول ملی و حمایت از آشوب خیابانی برای آماده سازی کودتا استفاده کرده است. اما دستورالعمل چیست؟! به دستور نیکسون در 15 سپتامبر1970 دستور به ممانعت از روی کار آمدن آلنده به واسطه به فریاد درآوردن اقتصاد را صادر کرد. استراتژی مبتنی بر قطع تمام اعتبارات بین المللی و توقف کامل وام های بانکی جهانی و توسعه قاره آمریکا و فشار به شرکت‌های سرمایه گذاری مبنی بر خروج سرمایه از کشور بود. همه چیز برای آماده سازی مداخله نظامی باید مهیا می‌گشت.

ارزش پول ملی(اسکودو) سقوط کرده و تورم به ارقام نجومی(400تا600درصد تا1973)می‌رسد. آمریکا با ممانعت خود موجب چاپ پول بی‌پشتوانه این کشور شد. پس از جنگ ارزی و تورم ویرانگر برای فروپاشی لازم است پازل آشوب را تکمیل کرد. آمریکا با حمایت از کامیون داران موجب اعتصاب آنها و قطع حمل و نقل جاده ای (با 8میلیون دلار در سال1973 توسط سیا) کمبود مصنوعی را ایجاد و مردم در صف طولانی سوخت و نان قرار داد.

پس از کودتای11سپتامبر1973 و روی کار آمدن پینوشه با حمایت آمریکا اوضاع امنیتی و اقتصادی بهبود نیافت وبه دلیل عدم کنترل قیمت‌ها، تورم بدترشد.

### بخش دوم: لیبی – تبخیر ثروت ملی و دولت شکست‌خورده (۲۰۱۱-اکنون)

در سال 2011 آمریکا با مداخله و استفاده از نیرهای نیابتی داخلی شروع به مسدود کردن دارایی های لیبی کردند. میلیاردها دلار از دارایی های سازمان سرمایه گذاری لیبی توسط آمریکا و سازمان‌های مربوطه مسدود کرده و سقوط ارزش پول ملی را فراهم آورد.

آمریکا دولت موازی را شکل داد و دارایی‌های مسدود شده را به شورشیان انتقال داد تا چرخه تأمین مالی جهت جنگ داخلی علیه قذافی کامل گردد. پس از قتل قذافی لیبی کاملا شکست خورد تولید ناخالص داخلی سقوط کرد و منجر به نظام اقتصادی دو پاره گشت و بحران نقدینگی و نوسانات شدید ارزی را به وجود آورد. مداخله آمریکا کامل شد اما لیبی وارد جنگ داخلی طولانی شد و خلأقدرت، زرادخانه ها را به دست تروریست ها انداخت و امنیت را به کلی نابود کرد.

## بخش سوم: عراق – از تحریم تا اشغال و ناامنی بی‌پایان (۱۹۹۰-اکنون)

طی قطعنامه 66شورای امنیت به رهبری آمریکا، دستور نابودی رژیم صدام از طریق اقتصاد صادر شد. این تحریم منجر به ابر تورم شد و هر دلار آمریکا را معادل 3000 دینار کرد تا مردم به جیره های غذایی دولت کاملا وابسته و تاب آوری اجتماعی در برابر تهاجم خارجی کاهش پیدا کند. به وقت حمایت از اپوزیسیون آمریکا 97 میلیون دلار در سال 1998 به احمدچلبی اختصاص داد تا رژیم را نامشروع و جنگ روانی را کامل کند. صدام نابود شد. پس از مداخله وعده های بوش مشکل ارزش پول ملی را حل نکرد و ماهیتش را عوض کرد و وابستگی شدید دینار به دلار ایجاد شد. به دلیل واریز درآمدهای نفتی عراق در بانک فدرال رزرو نیویورک شیرفلکه تزریق ارز کاملا کنترل می‌شد تا جایی که در سال 2023 محدودیت های جدیدی بر انتقال دلار به عراق اعمال کرد و نتیجه اش سقوط ناگهانی ارزش دینار در بازار سیاه و افزایش قیمت مواد غذایی شد درنتیجه بی ثباتی پولی به یک ویژگی نهادینه ساختاری تبدیل گردید. این مداخله مضرات امنیتی هم به بار آورد و آن هم انحلال ارتش و ساختارهای امنیتی عراق توسط حاکم موقت آمریکایی(پل برمر) بود و این خلأ موجب آوارگی، جنگ داخلی و افزایش شاخص تروریسم جهانی در عراق شد.

## بخش چهارم: ونزوئلا – محاصره مدرن و دولت موازی (۲۰۱۴-اکنون)

در ونزوئلا تحریم‌به هدف تعطیل کردن شریان های حیاتی اقتصاد یعنی صادرات نفت از سال2014 شروع شد. هدف اصلی خفگی اقتصادی برای تحریک کودتای داخلی است. یکی از عواقب این تحریم بازنگشتن درآمد ارزی شرکت نفت دولتی شد که منجر به شوک ارزی و عامل اصلی ابر تروم ونزوئلا گردید. از همه مهمتر منجر به مرگ ده ها هزار نفر به واسطه محدود کردن واردات غذا و دارو شد. برای تکمیل چرخه لازم است رسمیت دولت موازی علنی شود. آمریکا گوایدو را به عنوان رئیس جمهور موقت به رسمیت شناخته و کنترل دارایی های خارجی را به او واگذار کرد. آزانس توسعه آمریکا صدها میلیون دلار به اپوزیسیون تزریق کردند تا اعتراضات خیابانی را زنده نگهدارند. اما پس از تکمیل چرخه تغییر رژیم محقق نشد اما همیشه این چرخه(فقر=شورش=تغییر رژیم) منجر به رنج عظیم انسانی می‌گردد و وضعیت را به شدت وخیم می‌کند. جالب است که پس از پایان مداخله آمریکا دیگر به رهبر جریان اپوزیسیون بهایی داده نشده و آن را به دلیل ناتوانی کنار می گذارند و خود آمریکا مستقیم بر منابع ارزشمند ونزوئلا سلطه پیدا کرده است.

-

این چرخه در ایران نیز دنبال می‌شود اما با یک چالش و آن هم به اذعان سر مورلش عدم مطلوبیت شخصیت رهبر اپوزیسیون جهت راهبری جریان مخالفان داخلی. پیشنهاد آمریکا یک اعتدال گرای اسلامی (مطابق میل آمریکا) است و پیشنهاد اسرائیل نابودی اسلام و تغییر کامل رژیم است. اما باز هم این اپوزیسیون را به دلیل بی ارزشی در سیاست آمریکا پس از اتمام مداخله به رسمیت شناخته خواهد شد.